

«هوموساکرهای نوین» بررسی وضعیت استثنایی در ترکیه؛ بر اساس نظریه اشمیت و آگامبن

محلثه جزائی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۶/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۹/۱۲

چکیده

تحولات اخیر در ترکیه پس از وقوع کودتای ژوئیه ۲۰۱۶، منجر به اعلام وضعیت استثنایی توسط رئیس‌جمهور این کشور شده است. وضعیت استثنایی، بر وضعیت نامتعادل میان حقوق عمومی و امر سیاسی دلالت دارد. اشمیت و آگامبن به عنوان دو نظریه پرداز وضعیت استثنایی با نگاهی متفاوت به بررسی این وضعیت در نظام حقوقی پرداخته‌اند. اشمیت معتقد است وضعیت استثنایی وضعیت پارادوکسیکال است که در آن حاکم بیرون از نظم حقوقی قرار گرفته و انحصار اخذ واپسین تصمیم را دارد. از طرف دیگر آگامبن نیز بر این باور است وضعیت استثنایی منجر به خروج تعدای از شهروندان از دایره نظم حقوقی می‌شود و به انقیاد بیشتر شهروندان می‌انجامد. این نوشتار با استفاده از نظریه این دو متفکر می‌کوشد وضعیت ترکیه پس از کودتا را تبیین کند. بر این اساس پرسش این نوشتار این است: وضعیت استثنایی در قانون اساسی ترکیه چه جایگاهی دارد؟ آیا با استفاده از نظریه اشمیت و آگامبن می‌توان کودتا و اقدامات پس از کودتا را در جهت افزایش قدرت دولت تبیین نمود؟ به نظر می‌رسد کودتا در ترکیه برای نظام سیاسی فعلی این کشور، مستمسکی برای حذف و طرد جریان‌های مخالف شده است و بیش از هر چیز افزایش قدرت و اختیارات ریاست جمهوری را در پیش دارد. امری که با سیطره بر حیات سیاسی شهروندان این کشور صورت می‌پذیرد.

واژه‌های کلیدی: ترکیه، وضعیت استثنایی، کودتا، قانون اساسی، هوموساکر، اشمیت، آگامبن

مقدمه

اعلام وضعیت اضطراری در ترکیه پس از کودتای نافرجام در این کشور، پرسش‌هایی را برانگیخته که تاکنون گشوده باقی مانده است. اما اعلام وضعیت اضطراری از سوی اردوغان بیش از هر چیز نشان از افزایش قدرت «حاکم» در این کشور دارد. به نظر می‌رسد مهم‌تر از وجود وضعیت اضطراری در یک نظام سیاسی، تصمیم‌گیری درباره اعلام چنین وضعیتی است که به وضوح توضیح‌دهنده میزان قدرت حاکم است. اهمیت بررسی وضعیت استثنایی از سوی دولت‌های مدرن از آنجا که به طور مستقیم زیست سیاسی^۱ شهروندان را نشانه می‌رود، حائز اهمیت و شایسته بررسی است.

در این باره می‌توان پژواکِ طنینِ نظریه پردازانی چون کارل اشمیت و جورج آگامبن را در این وضعیت ویژه پیگیری نمود. حاکم، تصمیم‌گیرنده واقعی درباره اعلام وضعیت اضطراری است، همان موقعیتی که به واسطه آن می‌توان مخالفان را بدون هراس از محدودیت‌های قانونی از سپهر سیاسی حذف نمود. اشمیت، با تجربه جمهوری وایمار در آلمان به گونه‌ای شهودی دریافت حاکم کسی نیست که در راس سلسله مراتب قانون‌گذاری وجود دارد، بلکه کسی است که تصمیم می‌گیرد؛ آن هم نه در وضعیت عادی بلکه در وضعیت استثنایی که بسا مهم‌تر و اصیل‌تر از وضعیت عادی می‌باشد. آگامبن نیز برای تاکید بر اهمیت حقوقی- سیاسی وضعیت استثناء با رجوع به تاریخ، نهاد رومی یوستیتیوم^۲ در عهد باستان را به مثابه کهن‌الگوی وضعیت استثناء مطرح می‌کند. این واژه به معنای وقفه و یا تعلیق در قانون است و ریشه تاریخی آن به اعلام وضعیت بحرانی از سوی سنا برمی‌گردد. یوستیتیوم در واقع دال بر مواردی است که تحت شرایط استثنایی و فوق العاده، قیدوبندهایی که قانون بر عمل صاحب منصبان اجرایی تحمیل می‌کند، موقتا

1. biopolitical
2. iustitium

«هوموساکرهای نوین» بررسی وضعیت استثنایی در ترکیه؛ بر اساس نظریه اشمیت و آگامبن/۲۲۳

برچیده می‌شود (آگامبن، ۱۳۹۵: ۹۴). این نهاد اشاره صریحی به تعلیق قانون و بی‌اثر شدن تمام ضوابط و احکامی قانونی در نظام سیاسی رم باستان دارد. باید اشاره نمود در نزد نظریه پردازان استثناء سخن از تعلیق قانون و نه منسوخ شدن آن است. یعنی حاکم، قانون و نهاد قانونگذاری را نسخ و منحل نمی‌کند، بلکه آن را برای مدتی که غالباً نامعلوم است، معلق می‌نماید. یوستیتیوم هم دلالت بر همین معلق سازی قانون بر اساس حکم سنا دارد. با عنایت به تفاوت میان نسخ و تعلیق قانون، آگامبن وضعیت استثنایی مدرن را، مولود سنت دموکراتیک انقلابی و نه محصول استبداد مطلقه می‌داند (آگامبن، ۱۳۹۵: ۲۶). به نظر می‌رسد ترکیه در وضعیت کنونی بی‌شبهت به این کهن الگوی باستانی نیست. از یک سو جامعه مدنی قدرتمند در ترکیه، هرگونه عدول از قانون را از سوی نظام سیاسی نمی‌پذیرد، از طرف دیگر رهبر سیاسی ترکیه با حضور گرایش‌های متناقض در این سرزمین نمی‌تواند قدرت خود را به گونه‌ای تام و تمام بر همه شهروندان ترک اعمال نماید. در حقیقت اعلام وضعیت اضطراری در ترکیه بر گسستی میان هنجار و کاربست آن یا به عبارت بهتر شکاف میان قانون و واقعیت استوار است و بر این امر دلالت دارد که چگونه یک مقام مافوق قانون می‌تواند قانونی عمل کند. بنابراین وضعیت استثنایی نوعی ضرورت انضمامی نیست که نشانگر محدودیت‌های قانونی باشد، بلکه توسط خود قدرت حاکم ایجاد می‌شود تا قانون طبیعی و نوموس بنیادی‌تری را تثبیت و تصریح سازد که به واسطه آن نه فقط ضرورت حاکمیت به عنوان مجری قانون، بلکه پیش از آن، ضرورت حاکمیت به عنوان موجودیتی در مرز قانون و بی‌قانونی - که یک پا در قانون دارد و یک پا بیرون آن - اثبات می‌شود. این جدایی میان قانون و کاربرد آن، هرگز به منزله غیاب قانون نیست، بلکه نشان‌دهنده بالقوگی محض و استعداد نهانی قانون و تعالی آن از خویش است. به عبارت بهتر اردوغان با اعلام وضعیت اضطراری (بخوانیم استثنایی) نه تنها قانون را لغو نمی‌کند

بلکه با فراوی از آن، هم به سنت‌های دموکراتیک کشورش وفادار می‌ماند و هم حلقه انحصار قدرت را تنگ‌تر می‌نماید.

چارچوب نظری

وضعیت استثنائی، یکی از مفاهیم مدرن اندیشه سیاسی است که در بازخوانی تاریخ باستان، مورد توجه قرار گرفته است. اگرچه این وضعیت بر وضعیت نامتعادل میان حقوق عمومی و امر سیاسی دلالت دارد، اما می‌توان تفاوت‌های معناداری را میان کاربرد این واژه در میان متفکران اندیشه سیاسی غرب یافت. کارل اشمیت^۱ و جورجو آگامبن^۲ دو نفر از مشهورترین نظریه پردازان وضعیت استثنایی هستند، که از نظریات خود برای نقد دولت مدرن سود جسته‌اند.

اشمیت، وضعیت استثناء را وضعیتی اصیل دانسته که تصمیم‌گیری در آن موقعیت، نشان می‌دهد چه کسی در نظام سیاسی انحصار اخذ واپسین تصمیم را دارد. بر این اساس هرگونه تلاش برای حذف آنتاگونیسم از عرصه سیاست نابخردانه و غیرممکن جلوه می‌کند؛ چرا که در نهایت واقعیت‌های ناخوشایند سیاست خود را بر همگان تحمیل خواهد کرد. آگامبن با نقد موقعیت حقوقی وضعیت استثناء، آن را وضعیت خلاقانه می‌داند. وضعیتی که ناشی از تعیین ناپذیری این مفهوم است. آگامبن با جستجو در یونان باستان با موقعیت‌های خلاقانه‌ای روبرو می‌شود که در زندگی مدرن امروز نیز قابل مشاهده است. او از فرد هوموساکر سخن می‌گوید که در نظام حقوقی رم، فردی رها شده و بیرون از نظم حقوقی است، که کشته شدن او قتل یا قربانی به حساب نمی‌آید. آگامبن معتقد است هوموساکر را می‌توان امروزه در دولت‌های مدرن دید. او از قوانین ایالات متحده نمونه می‌آورد و به فرمان کمیسیون‌های نظامی در آمریکا اشاره می‌کند که مجوز بازداشت

1. Carl Schmitt

2. Giorgio Agamben

«هوموساگرهای نوین» بررسی وضعیت استثنایی در ترکیه: بر اساس نظریه اشمیت و آگامبن/ ۲۲۵

نامحدود و محاکمه اتباع خارجی مشکوک به دست داشتن در فعالیت تروریستی و یا طالبان را در اختیار دارند. به نظر آگامبن افراد مشکوک از نظر قانون افرادی هستند که حاکمیت می‌خواهد آن‌ها را خارج از نظم حقوقی جای دهد، آن‌ها نه اسیر و نه متهم، بلکه صرفاً بازداشتی‌اند. در حقیقت، شهروندان عصر مدرن نه سوژه که ابژه‌هایی خارج از نظم حقوقی هستند. با این اوصاف چگونه می‌توان از برتری دولت مدرن سخن گفت، دولتی که می‌کوشد با انقیاد بر حیات برهنه انسان‌ها بر آن‌ها سیطره یابد. به نظر می‌رسد، اشمیت و آگامبن علی‌رغم تفاوت در تعریف وضعیت استثناء در نقد دولت مدرن با یکدیگر همداستانند. اشمیت تقلیل‌گرایی لیبرالی و تلاش برای فروکاهش آنتاگونیسم موجود در امر سیاسی به امور اقتصادی و اخلاقی را نکوهش می‌کند و آگامبن، تمامت خواهی دولت مدرن به ظاهر لیبرال را که با خلق وضعیت استثنائی می‌کوشد، آزادی افراد را به بهانه مصلحت آنان زیرپانهد، سرزنش می‌نماید.

اشمیت برای دوری جستن از این دور باطل تمایزی را طرح می‌سازد که تمام اعمالی که دارای معنای سیاسی هستند را منبعث از آن تلقی می‌نماید. این تمایز ویژه سیاسی که اعمال و انگیزه‌های سیاسی را می‌توان به آن احاله کرد، تمایز میان دوست و دشمن است. اشمیت برای فهم بهتر این تمایز معتقد است که «مفاهیم دوست و دشمن را باید در معنای انضمامی و وجودی آن‌ها فهمید و نه در معنای استعاره‌ای یا تمثیلی» (اشمیت، ۱۳۹۰: ۲۵) دشمن همان دیگری است که به لحاظ وجودی چیزی متفاوت و بی‌نهایت بیگانه است و از این‌رو در وضعیتی نهایی یا مخاطره‌برانگیز تعارض یا جنگ با او محتمل است. «دشمن فقط دشمن عمومی است.» (اشمیت، ۱۳۹۰: ۲۶) با روشن شدن این تمایز اشمیت به سراغ تعریف خود از دولت می‌رود. از نظرگاه اشمیت، دولت همان موجودیتی است که در باب تمایز دوست-دشمن تصمیم می‌گیرد. پس از بیان این خصیصه کلی دولت، اشمیت با افزودن جمله‌ای این تعریف را محدودتر می‌سازد. «آنچه همواره اهمیت

دارد این است که امکان به وقوع پیوستن وضعیت اضطراری و تصمیم در باب این که آیا چنین وضعی فرارسیده یا نه وجود دارد.» (اشمیت، ۱۳۹۰: ۳۵) اشمیت پس از این فقرات رسماً اعلام می‌کند «حاکم کسی است که در باب استثناء تصمیم می‌گیرد.» (اشمیت، ۱۳۹۰: ۴۹). در واقع از آن جا که دولت می‌تواند فراهم کننده وحدت باشد، از این رو مشروعیت لازم برای اتخاذ تصمیمی که در درجه اول باید گرفته شود، می‌باشد (Norris, 2005: 896)

از نظر اشمیت حاکم کسی نیست که در راس سلسله مراتب قانون‌گذاری وجود دارد بلکه کسی است که تصمیم می‌گیرد. آن هم نه در وضعیت عادی بلکه در وضعیت استثنایی که بسا مهم‌تر و اصیل‌تر از وضعیت عادی می‌باشد. بر همین مبنا همانند اراده‌ی الهی که می‌تواند قوانین طبیعی را به کناری نهد و معجزه رخ دهد، فرمانروا نیز می‌تواند قوانین را وانهاد و در خصوص وضعیت استثناء تصمیم گیرد. در حقیقت اشمیت از وبر و هابز که ویژگی فرمانروایی را کاربرد انحصاری زور و قهر می‌دانستند فراتر می‌رود و مفهوم «انحصار در واپسین تصمیم» را در تعریف مدنظر خود از دولت مطرح می‌نماید. به باور اشمیت، فرد تصمیم‌گیرنده در وضعیت استثنایی گوهر و اصل حاکمیت است. وی صحبتی از قدرت و یا حق نمی‌کند، بلکه آن قوه سیاسی را حاکم می‌شمارد که درباره تعیین و اعلام وضعیت استثنایی تصمیم می‌گیرد و می‌تواند حداقلی از نظم حقوقی را ایجاد کند (ملائکه، ۱۳۹۲: ۱۰۸).

وضعیت استثنایی به نظر وضعیتی متناقض‌نما می‌آید. اولین پارادوکس وضعیت استثناء در نسبت بین حاکم و نظام حقوقی معنا می‌یابد. وضعیتی متناقض‌نما که مشخص نیست حاکم در درون نظم حقوقی یا خارج از آن جای می‌گیرد. اگر حاکم حقیقتاً همان کسی است که نظام قانونی قدرت اعلام وضعیت استثنایی و در نتیجه تعلیق اعتبار و اساس موجودیت نظام را به او اعطا می‌کند، پس حاکم بیرون از نظم قانونی معتبر است و با این حال به آن تعلق دارد، زیرا تصمیم‌گیری در این مورد که آیا قانون اساسی باید در کل تعلیق

«هوموساکرهای نوین» بررسی وضعیت استثنایی در ترکیه؛ بر اساس نظریه اشمیت و آگامبن/۲۲۷

گردد، به عهده اوست. این پارادوکس را می‌توان به این صورت نیز بیان نمود: «قانون بیرون از خودش است» یا «من، شخص حاکم، که بیرون از قانون‌ام، اعلام می‌کنم که هیچ چیزی بیرون از قانون نیست» (agamben, 1998:17)

دومین پارادوکس وضعیت استثناء جدایی هنجار قانونی از تصمیم است. حاکم، به مثابه دارنده‌ی انحصاری حق واپسین تصمیم، در وضعیت استثناء ثابت می‌کند که برای قانون‌گذاری ابتدا و اتکا بر قانون الزامی نیست. اشمیت بر این باور است:

«همه قوانین موقعیت‌منداند. حاکم موقعیت را ایجاد و آن را در کلیتش تضمین می‌کند و اوست که انحصار این تصمیم نهایی را برعهده دارد و همین وضع است که اساس حاکمیت دولت را تشکیل می‌دهد که باید از لحاظ حقوقی درست تعریف شود؛ یعنی به مثابه قدرت انحصاری در تصمیم‌گیری و نه انحصار در حکومت‌کردن و به کاربردن زور. استثناء به روشن‌ترین شکل ممکن جوهر اقتدار دولت را بازمی‌نماید. در این جا تصمیم از هنجار قانونی جدا می‌شود و اقتدار به شیوه‌ای متناقض‌نما برای تدوین قانون ثابت می‌کند که برای تقنین نیازی به ابتدای آن بر قانون نیست» (اشمیت، ۱۳۹۰: ۵۵)

اشمیت با آگاهی وضعیت پارادوکسیکال موقعیت استثناء، نه تنها آن را از ذیل قواعد حقوقی خارج نمی‌سازد بلکه آن را بسا مهم‌تر از قاعده می‌داند. «استثناء جالب‌تر از قاعده است. قاعده چیزی را ثابت نمی‌کند، اما استثناء ثابت‌کننده همه چیز است: نه فقط تاییدکننده قاعده است، بلکه موید هستی آن هم هست که فقط از استثناء بر می‌آید» (اشمیت، ۱۳۹۰: ۵۷) به نظر اشمیت در این وضعیت استثنائی اصیل، تصمیم حاکم بر هنجارها و نرم‌های اجتماعی نیز غلبه می‌یابد (Weber, 1992: 10). با این نظر نظام حقوقی در یک وضعیت استثنائی می‌تواند خودش را کنار بگذارد، و این آن پارادوکسی است که به باور اشمیت خردگرایان نمی‌توانند بپذیرند.

جورجو آگامبن با نقد وضعیت استثنائی اشمیت و نمایان‌ساختن وجه پارادوکسیکال آن، تعریفی دیگرگون از وضعیت استثناء ارائه می‌دهد. آگامبن وضعیت استثنائی را مرحله‌ی عدم توازن میان حقوق عمومی و واقعیت سیاسی مثل جنگ داخلی، قیام مسلحانه و مقاومت می‌داند، که در حواشی مرزهای نادقیق و غیرقطعی حقوق و سیاست، در نقطه تلاقی این دو قرار می‌گیرد (آگامبن، به نقل از فونتانا و بونت، ۲۰). بر اساس سنت اندیشگانی غرب، وضعیت استثنائی در یک تقابل توپوگرافیک یا در درون نظام حقوقی و یا بیرون از نظام حقوقی جای می‌گیرند. گروه نخست، وضعیت استثنائی را جزء لاینفک و لازم قانون موضوعه می‌دانند، چون ضرورتی که مبنای وضع آن بوده به مثابه منشا مستقل و خودمختار قانون عمل می‌کند. حال آن که گروه دوم وضعیت استثنائی و ضرورت مبنای آن را عناصری ماهیتاً فراحقوقی و واقعی می‌دانند، ولو این که تبعاتی هم در حیطه قانون داشته باشد (آگامبن، ۱۳۹۵: ۵۷) آگامبن بر آن است که در سیاست معاصر وضعیت استثنائی در معنای شرایط تعلیق قانون، به قاعده تبدیل شده است. در چنین شرایطی قانون دارای نیرو است بدون آن که درونمایه و یا این که معنای جوهرینی داشته باشد. در حقیقت، وضعیت استثناء نیروی قانون فاقد اهمیت یا نفوذ است. این وضعیت استثنائی قاعده حاکمیت است (Agamben, 2000: 113) از نظر آگامبن وضعیت استثناء نوعی حذف^۱ است. اما این طور نیست که آنچه حذف می‌شود، به واسطه حذف شدن، مطلقاً فاقد هر رابطه‌ای با قاعده عام باشد، بلکه برعکس، آنچه در استثناء حذف می‌شود خود را در نسبت با قاعده برپا نگه می‌دارد، آن هم در هیات تعلیق قاعده (agamben, 1998: 18)

آگامبن نهاد رومی یوستیتیم^۲ در عهد باستان را به مثابه کهن‌الگوی وضعیت استثناء مطرح می‌کند. این واژه به معنای وقفه و یا تعلیق در قانون است و ریشه تاریخی آن به

1. Exclusion
2. iustitium

«هوموساکرهای نوین» بررسی وضعیت استثنایی در ترکیه؛ بر اساس نظریه اشمیت و آگامبن/ ۲۲۹

اعلام وضعیت بحرانی از سوی سنا برمی‌گردد. یوستیتیوم در واقع دال بر مواردی است که تحت شرایط استثنائی و فوق‌العاده، قیدوبندهایی که قانون بر عمل صاحب منصبان اجرایی تحمیل می‌کند، موقتا برچیده می‌شود (آگامبن، ۱۳۹۵: ۹۴). این نهاد اشاره صریحی به تعلیق قانون و بی‌اثر شدن تمام ضوابط و احکام قانونی در نظام سیاسی رم باستان دارد. وضعیتی که در آن قانون و نهاد قانون‌گذاری معلق می‌شود. بر همین اساس آگامبن مدعی می‌شود برخلاف دوران حکومت‌های مطلقه که پادشاه قانون را نسخ و دستگاه قانونگذار را منحل می‌ساخت، در دوران مدرن، وضعیت استثنائی چنین کارویژه‌ای را با تعلیق قانون ایجاد می‌کند (آگامبن، ۱۳۹۵: ۲۶)

در سنت پیشامدرنی، یک قاعده انکار ناپذیر وجود دارد: «اضطرار قانون ندارد». اشمیت از این همانی وضعیت استثنائی^۱ با وضع اضطراری^۲ آبا دارد و وضعیت استثنائی را از طریق ارجاع به مفهوم حاکمیت قابل فهم می‌داند، مفهومی که به وضوح متعلق به دوران جدید است. آگامبن هم بر همین سیاق، معتقد است فقط نزد مدرن‌هاست که وضعیت اضطراری به سمت گنجانده شدن در نظام حقوقی میل می‌کند و به مثابه وضعیت اصلی و راستین قانون جلوه‌گر می‌شود. در حقیقت در این تلقی از وضعیت استثنائی (اینکه) اضطرار وضعیتی یکه و منحصر به فرد است که قانون قدرت الزام‌آور خود را از دست می‌دهد، وارونه و تبدیل به اصلی می‌شود که بنابر آن اضطرار به اصطلاح به شالوده اصلی و منشا حقیقی قانون شکل می‌دهد (آگامبن، ۱۳۹۵: ۶۲). به عبارت بهتر، آگامبن و اشمیت در مورد آستانه‌ای بودن مفهوم وضعیت استثناء با یکدیگر اشتراک نظر دارند اما برای آگامبن در این وضعیت برزخ‌گونه واقعیت و قانون در یکدیگر مستحیل شده و نوعی آستانه تصمیم‌ناپذیری^۳ شکل می‌گیرد که در آن امر واقع و قانون در یکدیگر خلط می‌شوند. بر

1. Ausnahmezustand

2. Notstand

3. Threshold of undecidability

همین مبنا آگامبن، از تحویل وضعیت استثنائی به وضع اضطراری می‌پرهیزد؛ با این توجیه که نه تنها اضطرار چیزی جز تصمیم نیست، بلکه آنچه درباره‌اش تصمیم می‌گیرد نیز در حقیقت چیزی تصمیم‌ناپذیر در واقعیت و قانون است.

مساله اصلی آگامبن رابطه بین حقوق و زندگی است که در این میان به نقد حاکمیت برای انقیاد زیست سیاسی شهروندان می‌پردازد. آگامبن در مقدمه کتاب هوموساگر به یک تفاوت واژگانی مهم اشاره می‌نماید. یونانیان برای حیات^۱ از دو واژه *zoe* که حاکی از حیات ساده و مشترک در بین جانوران و آدمیان و خدایان بود و *bios* که نشان‌گر شکل خاص و ممتازی از زیستن بود استفاده می‌کردند. سیاست معطوف به سعادت تنها مبتنی بر *bios* بود و *zoe* درون آن قرار نمی‌گرفت. تفاوت *zoe* با *bios* مانند تفاوت صوت با زبان است. در گذر از صوت که نشانه درد و لذت است و در بین دیگر جانوران مشترک به زبان که منحصرًا ویژگی آدمی است در واقع نوعی حذف ادغامی صورت می‌گیرد، برای گذر از *zoe* به *bios* نیز چنین حذف ادغامی رخ می‌نماید و اتفاقاً با زبان گره می‌خورد. در یونان باستان سیاست به *bios* تعلق می‌گرفت که قابلیت اضافی برای انسان و مبتنی بر تجربه هستی سیاسی است اما در دنیای مدرن *zoe* موضوع سیاست شده است. سیاست در این معنا یعنی کنترل، نظارت و تولید بدن یا به تعبیر فوکو سیاست تبدیل به زیست سیاست شده است (Agamben, 1988: 9-11). همین جابجایی واژگانی مرکز نقد آگامبن به دولت مدرن است.

آگامبن به عنوان یک متفکر پسا فوکویی، به فراروی از فوکو و ترکیب نظریات او با رویکرد سیاسی حقوقی شناخته می‌شود (نجف زاده، ۱۳۹۳: ۱۶۱). آگامبن تحت تاثیر فوکو به بدن و زیست شهروندان تاکید ویژه‌ای دارد. در نظر فوکو آستانه مدرنیته زیست شناختی یک جامعه در همان نقطه‌ای قرار دارد که در آن‌گونه و فرد در مقام یک بدن زنده محل

«هوموساکرهای نوین» بررسی وضعیت استثنایی در ترکیه؛ بر اساس نظریه اشمیت و آگامبن/ ۲۳۱

نزاع استراتژی‌های سیاسی آن جامعه می‌شوند (Agamben, 1998: 10) ادغام حیات برهنه در قلمروی سیاسی برساننده‌ی هسته آغازین -ولوپوشیده ی- قدرت حاکم است. حتی می‌توان گفت که تولید یک بدن زیست- سیاسی همان دستاورد آغازین قدرت حاکم است. در این معنا سیاست زیستی به اندازه‌ی استثنای حاکم قدمت دارد. به عبارت دیگر حاکم با سیاسی کردن بدن شهروندان و پیوند زدن سرنوشت زندگی آنان با تصمیمات خود، گونه‌ای از پیوند میان سیاست و زیست شهروندان را آشکار می‌سازد. از این رو دولت مدرن با قرار دادن حیات زیست شناختی در کانون محاسباتش کاری نمی‌کند مگر افشای پیوند مخفی‌ای که قدرت و حیات برهنه را به هم گره می‌زند (Agamben, 1998: 11)

در نگاه آگامبن، زیست قدرت، قدرتی است مبتنی بر حیات برهنه که با قابلیت کشته شدن تعریف می‌شود. آگامبن معتقد است تئوری حاکمیت اشمیت نیز متعلق به واژگان زیست سیاسی است. وی با ذکر این نقل قول از اشمیت که: «مردم در حال حاضر از یک جمعیت سیاسی به توده تبدیل شده‌اند، یک نهاد بیولوژیک جمعیتی» نشان می‌دهد چگونه حاکمیت مورد نظر اشمیت، کوشیده زیست سیاسی مردم را غیرسیاسی کرده و از آنان توده‌ای خشتی بسازد. اما رهیافت آگامبن بسیار متفاوت از اشمیت است؛ او در صدد جذب مفاهیم زیست سیاسی به یک نظم حقوقی- سیاسی است که آن را در کتاب هوموساکر^۱ به خوبی نشان داده است (Luisetti, 2011: 49). آگامبن بر آن است که زیست - قدرت و حاکمیت از بنیاد با یکدیگر پیوند دارند و تولید بدن زیستی فعل اصلی قدرت حاکمه است (agamben, 1998: 6) او در اولین جملات کتاب هوموساکر، به تفاوت معنای زیستن در دولت شهرهای یونانی اشاره کرده و وجه تمایز آن را از دموکراسی های مدرن نه در ادغام حیات زیستی - سیاسی به گسترده ترین حالت در عرصه سیاسی، بلکه در پیوند حاکمیت با بدن و زیست شهروندان می‌داند (agamben, 1998: 6). به باور آگامبن،

وضعیت استثنائی، که البته امروز تبدیل به قاعده سپهر سیاست شده، و حیات برهنه که عرصه خشونت‌های همه‌گیر است، به گونه‌ای بی‌واسطه با حاکمیت در ارتباط است. فعل بنیادین حاکمیت، تولید حیات برهنه به مثابه عنصر سیاسی و اصیل است.

آگامبن، انسان نوعی چنین وضعیتی را با ارجاع به چهره‌ای حقوقی در روم باستان یعنی «هوموساکر» به معنای انسان قدسی، تصویر می‌کند. هوموساکر کلمه‌ای است که از یک رساله حقوقی نوشته پومپوس فستوس، لغت‌شناس رومی، گرفته شده است. در منظومه فکری آگامبن، فرد هوموساکر، معرف وضعیت استثنائی است. در حقیقت، این واژه برای اشاره به کسانی که کار رفته که در سال‌های اولیه امپراتوری به مرگ محکوم شده بودند، اما کشتن آن‌ها نه به گونه‌ای مقدس تجلی قربانی شدن و نه در صورت منفی قتل به حساب می‌آمد. کسی که هوموساکر را می‌کشد، گرفتار مجازات حقوقی‌ای نمی‌شود و بدین لحاظ، زندگی هوموساکر به شکلی نامحدود در معرض «قدرت نامشروط مرگ» قرار دارد. بنابر منطق وضعیت استثنائی، قلمرو حاکمیت، قلمرویی است که در آن، کشتن، نه ارتکاب به قتل در نظر گرفته می‌شود و نه تجلیل قربانی در آن مجاز است (Agamben, 1998). به عبارت بهتر، فرد هوموساکر در یک وضعیت خلاقانه رها شده است و در معرض خشونت عریان حاکم قرار دارد.

با پیوند حیات برهنه فرد با خشونت عریان حاکمیت، آگامبن پارادوکس وضعیت استثناء بار دیگر مطرح می‌کند. در حقیقت رابطه بین قدرت حاکم و حیات برهنه موضوع اساسی وضعیت استثنائی در انگاره آگامبن است که در آن «هوموساکر» مفهومی مرکزی می‌باشد (Ellermann, 2009: 2) فرد هوموساکر نه در درون و نه در بیرون از نظم سیاسی جای می‌گیرد، دقیقاً مشابه وضعیت استثنائی که نه متعلق در درون و نه در بیرون نظم حقوقی جایی ندارد. این در حالی است که اشمیت همانگونه که وضعیت استثناء را

«هوموساگرهای نوین» بررسی وضعیت استثنایی در ترکیه؛ بر اساس نظریه اشمیت و آگامبن/۲۳۳

وضعیتی وجود دهنده به دولت و یک وضعیت اصیل می‌پندارد، درباره زیست سیاسی شهروندان نیز نظری قاطع دارد. به باور او

«دولت در حکم یک موجودیت سیاسی بنیادین، قدرتی عظیم دارد: امکان مبادرت به جنگ و از این رو ستاندن جان انسان‌ها. حق اعلام جنگ دربرگیرنده چنان خصلتی است. این حق مستلزم امکانی دوگانه است: حق مطالبه از اعضای خود برای آمادگی برای مردن و کشتن بی تامل دشمنان. تلاش یک دولت در وضعیت عادی فراتر از هر چیزی، در جهت تضمین صلحی همه‌گیر درون دولت و سرزمین است [این خود یک هنجار است]... اما هیچ هنجاری در شرایط غیرعادی معتبر نیست (تاکید از ماست) (اشمیت، ۱۳۹۲: ۷۱).

در حقیقت اشمیت وضعیت استثنایی را یک وضعیت قانونی می‌داند و نه فراقانونی یا خلاگونه، به همان ترتیب زیست سیاسی شهروندان در وضعیت اصیل استثناء وابسته به تصمیم حاکمیت باقی می‌ماند.

آگامبن بر این باور است به همان صورت که معنای زندگی در دوران مدرن در مقایسه با یونان باستان متحول شده است، دال زیست انسانی نیز دچار تحولی شگرف شده است. به نظر او معادل دولت شهر یونانی در دوران مدرن اردوگاه^۱ است. او در مقاله «اردوگاه چیست» می‌نویسد: اردوگاه بهترین مکان برای شناسایی عصر جدید است؛ زیرا در اردوگاه حوزه عمومی - خصوصی مفهوم و تمایز خود را از دست می‌دهد و بدن در تمامیت خود به کنترل حاکمیت درمی‌آید. در واقع اردوگاه مکانی است که تعلیق قانون و تبدیل استثناء به قاعده را عینیت می‌بخشد و سیاست زیستی به مطلق‌ترین شکل خود رخ می‌نماید و بی‌واسطه با حیات بیولوژیک رودررو می‌شود (agamben, 2000: 40) در این معنا سیاست

ورزی‌های امروزی چیزهای جز مدیریت *zoe* و حیات برهنه نیست و دولت‌ها خود را ملزم به مدیریت حیات بیولوژیک ملت می‌دانند. سیاست‌های جمعیتی که به خصوصی‌ترین حریم انسان‌ها وارد می‌شوند و به کمک نهادهای مختلف به ویژه پزشکی تلاش می‌کنند تا تولید مثل انسان‌ها را که مربوط به حیات زیستی آنان می‌شود به کنترل درآورند؛ نمونه آشکاری است که ماهیت دولت‌ها را نمایان می‌کند. در واقع در دموکراسی‌های مدرن، حیات برهنه در عین جدابودگی‌اش با محور تدریجی مرزهایش خود در شهر آزاد می‌شود و هم سوژه و هم ابژه همه نزاع‌های سیاسی می‌شود. از این منظر ادغام حیات برهنه^۱ و تولید بدن زیست سیاسی هسته اصلی قدرت حاکم است و آدمی خود را در مقام جانوری که سوژه قدرت سیاسی شده است، می‌یابد. دموکراسی‌های مدرن تلاش می‌کنند تا *bios* خود را بر *zoe* حیات برهنه برپا کنند و معضل آن‌ها دقیقاً در همین نقطه است؛ چرا که دموکراسی‌های مدرن می‌کوشند آزادی و خوشبختی انسان‌ها را در همان نقطه‌ای بنا نهد که معرف انقیاد آن‌هاست (Agamben, 1998: 168-169). آگامبن، اردوگاه را مشابه وضعیت استثناء و فرد هوموساگر، در منطقه‌ای آستانه‌ای و خلاقانه می‌بیند که نه در درون و نه بیرون نظم حقوقی سیاسی جای می‌گیرند. هر اس آگامبن از این است که وضعیت استثنائی به گونه‌ای جوامع انضباطی بیانجامد و آزادی شهروندان فدای مصلحت عمومی شود. او معتقد است: وضعیت استثنائی به طور روزافزونی رو به آن دارد که به پارادایم اصلی حکومت در سیاست معاصر بدل شود. این تبدیل وضعیت استثنائی از تمهیدی موقتی و استثنائی به تکنیکی حکومتی ساختار و معنای تمایز سنتی میان اشکال قانون اساسی را در معرض استحاله‌ای ریشه‌ای قرار می‌دهد. در واقع این استحاله پیشاپیش به طور محسوسی رخ داده است. از این منظر وضعیت استثنائی عملاً آستانه تعیین ناپذیری میان دموکراسی و استبداد مطلقه جلوه گر می‌شود (آگامبن، ۱۳۹۵: ۲۲).

تاریخ قانون اساسی و جایگاه وضعیت استثنایی در نظام حقوقی ترکیه

تاریخ تدوین قانون اساسی در ترکیه معمولاً به سه دوره تقسیم می‌شود:

۱. دوره اول ۱۸۷۶-۱۹۲۱

۲. دوره دوم ۱۹۲۱-۲۰۱۱

۳. دوره سوم بعد از ۲۰۱۱

نخستین قانون اساسی ترکیه در اواخر امپراتوری عثمانی در سال ۱۸۷۶ میلادی و تحت تأثیر موج آزادی‌خواهی ناشی از انقلاب‌های مردمی در اروپا و امریکا و به ویژه انقلاب کبیر فرانسه در سال ۱۷۸۹، موسوم به مشروطیت اول، توسط سلطان عبدالحمید دوم تدوین شد؛ (Topukcu, 2014: 2) که بیشتر متأثر از قانون اساسی فرانسه بود و آزادی‌های قید شده در آن بی‌شبهت به قانون اساسی‌های اروپایی نبود. اما دیری نپایید که پادشاه عثمانی به بهانه جنگ با شوروی اجرای آن را به حالت تعلیق درآورد. اما فعالیت‌های روشنفکری و حاکمیت قانون توسط گروهی از روشنفکران در امپراتوری عثمانی، از جمله مدحت پاشا و همفکران او ادامه یافت و به مشروطیت دوم در امپراتوری عثمانی و تدوین قانون اساسی در سال ۱۹۰۸، منجر شد. در این قانون بر حکومت مجلس تأکید و در آن اختیارات شاه محدود و اختیار قانونگذاری به مجلس داده شده بود. افزون بر این، حقوق سیاسی مردم به رسمیت شناخته شد. این مرحله‌ی مهم در قانون اساسی‌گرایی ترکی محسوب می‌شود و به عنوان قدم‌های اولیه برای تدوین قانون اساسی، علیرغم کارشکنی‌های سلطان عثمانی قابل ستایش است (Topukcu, 2014: 3-4).

مدت زیادی از عمر مشروطیت دوم نگذشته بود که امپراتوری عثمانی وارد جنگ جهانی اول شد و به دلیل وجود حالت فوق‌العاده در کشور، عملاً شرایط اجرای این قانون اساسی ممکن نشد. در این شرایط قدرت نظامی امپراتوری عثمانی به دلیل ضعف و پریشانی ناشی از جنگ‌های طولانی در اروپا و مستعمرات خود تحلیل و فرسایش یافته و

از طرف دیگر مستعمرات واقع در بالکان نیز به دلیل موج جدید انقلاب‌های رخ داده در اروپا و امریکا، به تدریج استقلال خود را اعلام کردند که نتیجه آن فروپاشی امپراتوری عثمانی بود. در این زمان مصطفی کمال پاشا آتاتورک (به عنوان افسر و فرمانده جنگی در ارتش امپراتوری عثمانی)، با ایده نجات کشور از دست بیگانگان و تشکیل یک کشور مستقل ترک، احساسات مذهبی و وطن‌پرستی مردم را برای مبارزه و نبرد با اشغال‌گران بسیج کرد و توانست در سال ۱۹۱۹، پس از نبردهای خونین با نیروهای اشغال‌گر خارجی، آن‌ها را به عقب براند. بدین ترتیب باقی‌مانده امپراتوری عثمانی توانست تحت عنوان کشور مستقل جمهوری ترکیه امروزی اعلام موجودیت کند و نخستین قانون اساسی جدید ترکیه با حضور نمایندگان گروه‌های مردمی از صفوف گوناگون، در سال ۱۹۲۱ به تصویب رسید. با توجه به اینکه قانون اساسی ۱۹۲۱، بسیار خلاصه و در چند ماده بیشتر نبود، دومین قانون اساسی جمهوری ترکیه در سال ۱۹۲۴ توسط مجمع بزرگ ملی^۱ منتخب مردم به تصویب رسید. این قانون اساسی به قانون اساسی سخت معروف^۲ است و نکته مهم در قانون اساسی جدید عبارت «حاکمیت ملی»^۳ بود که حکومت ترکیه را از سلطنت به جمهوری تغییر داد (Topukcu, 2014: 5). از ویژگی‌های اساسی آن بنیانگذاری نظام لائیک به عنوان نظام حقوقی و سیاسی کشور بود که بر جدایی دین از سیاست و محوریت اراده ملی و نظام پارلمانی تاکید داشت. این قانون اساسی یکبار دیگر بر اثر کودتای ارتش در سال ۱۹۶۰، عوض شد. به عبارتی، نظام سیاسی ترکیه تا سال ۱۹۴۰، به صورت تک حزبی (حزب جمهوری خلق ترکیه که توسط آتاتورک بنیانگذاری شده بود) اداره می‌شد اما از دهه ۱۹۴۰، احزاب دیگری نیز امکان حضور در صحنه سیاسی ترکیه را پیدا کردند که حزب دموکرات ترکیه به عنوان یکی از این احزاب توانست در انتخابات پارلمانی سال

1. Turkish grand national assembly

2. Rigid constitution

3. National sovereignty

«هوموساکره‌های نوین» بررسی وضعیت استثنایی در ترکیه؛ بر اساس نظریه اشمیت و آگامبن/۲۳۷

۱۹۵۰ پیروز شود و تا سال ۱۹۶۰، یعنی زمان کودتا توسط ارتش، اداره کشور را در دست داشته باشد؛ اما ژنرال‌های ارتش با کودتای ۱۹۶۰، به بهانه حفظ نظام لائیک، کمیته ملی تشکیل داده و کنترل دولت و مجلس را در دست گرفتند. این کمیته پیش‌نویس قانون اساسی جدید ترکیه را تدوین کرد و با همه‌پرسی قانون اساسی ۱۹۶۰ ترکیه، آن را جایگزین قانون اساسی ۱۹۲۴ کرد. این قانون اساسی اختیارات ویژه‌ای به نظامیان در اداره کشور می‌داد و نظام دو مجلسی (ملی و سنا) را بر کشور حاکم کرد. در سال‌های بعد، تداوم سایه قدرت نظامیان بر حیات سیاسی ترکیه به کودتای دیگری در سال ۱۹۸۰ انجامید و شورای امنیت ملی تشکیل شده توسط ژنرال‌ها، تدوین پیش‌نویس قانون اساسی را به عهده گرفت که در همه‌پرسی، پیش‌نویس آن در سال ۱۹۸۱ رأی آورد. در این قانون اساسی قوه مقننه تک مجلسی، آزادی‌های سیاسی محدود و باردیگر بر قدرت ارتش افزوده شد (غفاری و اکبری، ۱۳۹۱: ۱۶۳)

دوره سوم که بعد از سال ۲۰۱۱ در تاریخ قانون اساسی ترکیه حائز اهمیت است، با به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه همراه است. در قانون اساسی ۱۹۸۱ قدرت رئیس جمهور به علت مشکلاتی که نظام پارلمانی برای ترکیه به ارمغان آورده بود، گسترده‌تر از قانون اساسی پیشین پیش‌بینی شده بود. می‌توان گفت بعد از ۲۰۱۱ این روند افزایشی اختیارات ریاست جمهوری ادامه یافته است. رجب طیب اردوغان در سال ۲۰۱۱ خواستار تغییر قانون اساسی شد، که بر اساس درخواست وی و سایر گروه‌های اقتصادی و اجتماعی، برخی مفاد قانون اساسی دچار تغییرات شگرفی شد. در این نوشتار بر جایگاه وضعیت استثنایی در این قانون تاکید خواهد شد.

بررسی وضعیت قانون اساسی فعلی ترکیه، از جایگاه والای وضعیت استثنایی در آن حکایت دارد. در ماده ۱۵ قانون اساسی این کشور آمده است: «در شرایط جنگ، حالت آماده باش، حکومت نظامی و شرایط فوق‌العاده، با رعایت نظامات ناشی از حقوق بین

الملل می‌توان حقوق و آزادی‌های اشخاص را کلا و یا جزئا متوقف ساخت، یا در این شرایط در مورد اصول مرتباً مقرر در قانون اساسی تدابیر دیگری اتخاذ نمود.»

در ذیل ماده ۱۷ از فصل دوم قانون اساسی، که به بیان حقوق و تکالیف اشخاص هم چون حقوق بنیادین حق حیات، تعرض ناپذیری اشخاص و منع هر نوع شکنجه پرداخته است نیز قانون گذار بروز وضعیت استثنایی را از نظر دور نداشته است. مواردی که در ذیل این ماده آمده است در شرایط استثنایی از حکم پیگیری حقوق فردی مستثناء هستند و به عبارت بهتر در این شرایط آزادی و حقوق افراد به حالت تعلیق در می‌آید:

«حالت دفاع مشروع، اجرای احکام مربوط به دستگیری و بازداشت، ممانعت از فرار یک فرد دستگیر یا بازداشت شده، سرکوب شورش و عصیان، وقوع قتل ناشی از اجرای امر قانونی در زمان حکومت نظامی و شرایط فوق العاده» در زمره این موارد هستند که در نص قانون اساسی قابل مشاهده است.

نه تنها شرایط استثنایی در ترکیه معلق کننده آزادی‌های فردی هستند بلکه می‌تواند منجر به تغییر در احکام جزائی شوند. ماده ۱۹ در مورد افراد بازداشت شده یا دستگیر شده است که بر اساس این بند دلایل دستگیری یا ادعاهای موجود علیه آنان «باید فوراً به صورت کتبی و در صورت عدم امکان به صورت شفاهی اعلام شود..... افراد دستگیر شده باید حداکثر ظرف ۴۸ ساعت و در مورد جرایم ارتكابی جمعی ۴ روز به نزدیکترین دادگاه ارجاع داده شوند.... مدت های مذکور در شرایط فوق العاده، حکومت نظامی و جنگ قابل تمدید هستند». اهمیت وضعیت استثنایی در قانون اساسی ترکیه به اندازه‌ای است که با توجه به جایگاه دادگاه‌ها و قضات در نظام سیاسی ترکیه می‌تواند حکم دادگاه را نیز محدود سازد. «قانون در شرایط فوق العاده، حکومت نظامی، آماده باش و جنگ و هم چنین به دلایلی چون امنیت ملی، نظم عمومی و سلامتی جامعه می‌تواند حکم دادگاه را در مورد توقف امور اجرایی محدود سازد.» (اصل ۱۲۵، ق.ا. ترکیه)

«هوموساکره‌های نوین» بررسی وضعیت استثنایی در ترکیه؛ بر اساس نظریه اشمیت و آگامبن/ ۲۳۹

بعد از اهمیت وضعیت استثنایی پرسش اصلی اشمیت این است که چه کسی صلاحیت اعلام این وضعیت را دارا می‌باشد. قانون اساسی ترکیه، در زمان برقراری حالت فوق العاده رئیس جمهور را به عنوان قانون‌گذار اصلی مورد شناسایی قرار داده است که این امر نشان‌دهنده جایگاه والای ریاست جمهوری در این کشور است. ماده ۹۱ قانون اساسی بیان می‌دارد: «در حالت فوق العاده و برقراری حکومت نظامی، احکام مربوط به صدور تصویب‌نامه‌ها که توسط هیات دولت به ریاست رئیس جمهور صادر می‌گردد، معتبر می‌باشند.» بر همین اساس مسئول اعلام وضعیت اضطراری در ترکیه رئیس جمهور می‌باشد و از جمله وظایف و اختیارات او: اعلام حکومت نظامی، وضعیت فوق العاده و صدور تصویب‌نامه در حکم قانون، است. بر اساس اصل ۱۲۱ رئیس جمهور می‌تواند در راجع به موضوعاتی که در حالت فوق العاده ضروری محسوب می‌شوند، تصویب‌نامه‌هایی در حکم قانون تصویب کند.

جایگاه برتر ریاست جمهوری در قانون اساسی ترکیه این پرسش اشمیتی را به یاد می‌آورد که بر اساس آن آیا رئیس جمهور در ترکیه فرا قانونی است و یا درون نظم حقوقی مستقر جای می‌گیرد؟ در حقیقت قانون اساسی که با هراس از «خداشه دار شدن جدی نظم عمومی به خاطر وقوع حوادث و اقدامات شدید با هدف از بین بردن نظام دموکراسی آزاد و محو حقوق و آزادی‌های مقرر در قانون اساسی» (اصل ۱۲۰ ق. ا. ترکیه) رئیس جمهور را مسئول اعلام وضعیت اضطراری کرده است، آیا نسبت آن را با قانون تعریف کرده است یا خیر؟

با توجه به این که قانون اساسی ترکیه، راه‌کارهایی برای جلوگیری از سوءاستفاده از قدرت اعلام وضعیت استثنایی مشخص نکرده است. به نظر می‌رسد وضعیت پارادوکسیکال میان قانون و هنجار، که اشمیت بیان می‌دارد و آگامبن نسبت به آن هشدار می‌دهد، یکی از خलाهای موجود در قانون اساسی ترکیه باشد. در ادامه به افزایش قدرت

ریاست جمهوری در ترکیه با آغاز حکومت اردوغان و تشدید موقعیت متناقض‌نما در قانون اساسی ترکیه که احتمالاً منجر به بازنگری در قانون اساسی خواهد شد، پرداخته می‌شود.

اردوغان و انحصار اخذ واپسین تصمیم

دولت در ترکیه و در قانون اساسی این کشور جایگاه بی بدیلی دارد. در حقیقت یکی از شاخصه‌های اصلی محافظه کاری ترک حمایت از دولت و تقویت آن است. دولت و ملت کلیتی ارگانیک به حساب می‌آیند و تنوع قومی و دینی در آن به ندرت تحمل می‌شود. دولت تا زمانی که از ارزش‌های ملت پاسداری کند از حق انحصاری تعیین منافع ملی برخوردار است (یاووز، ۱۳۸۹: ۶۶). بر همین سیاق می‌توان گفت رئیس دولت نیز در این نظام دارنده والاترین قدرت برای تصمیم‌گیری به طور اعم و اعلام وضعیت استثنایی به صورت اخص است.

حزب عدالت و توسعه پس از به قدرت رسیدن در سال ۲۰۰۲، همواره به دنبال تغییر قانون اساسی بوده است (Karadut, 2011: 100) به این منظور، این حزب در سال ۲۰۰۷، پیش‌نویسی را تهیه کرد، اما در کسب حمایت اپوزیسیون ناکام ماند. در پی آن، الحاقیه‌های پیشنهادی این حزب، در یک همه‌پرسی با حمایت مردم روبه‌رو شد. این بسته پیشنهادی در ۲۰۱۰، با ۳۳۶ رأی مثبت به تصویب رسید. این تعداد رأی کمتر از اکثریت دوسومی پارلمان بود که می‌توانست آن را یکباره به تصویب برساند. اما همین قدر آرا کافی بود تا ظرف ۶۰ روز پس از امضای آن توسط رئیس‌جمهور، به یک همه‌پرسی عمومی گذاشته شود. به هر حال در ۲۶ ماده اصلاحاتی صورت گرفت و به همه‌پرسی گذاشته شد که دربرگیرنده مسائل مختلف اجتماعی، حقوقی، سیاسی، مدنی و خدماتی بود (Topukcu,

«هوموساگرهای نوین» بررسی وضعیت استثنایی در ترکیه؛ بر اساس نظریه اشمیت و آگامبن/ ۲۴۱

مقام ریاست جمهوری تا پیش از به قدرت رسیدن اردوغان، به دلیل نظام پارلمانی این کشور و اختیارات اجرایی نخست‌وزیر، تقریباً جایگاهی تشریفاتی بود. اما با ایجاد تغییراتی در قانون اساسی، ریاست جمهوری از جایگاه تشریفاتی به جایگاه اجرایی و قدرت اول کشور تغییر پیدا کرد. رجب طیب اردوغان، پس از ایجاد بن بست در انتخاب رئیس جمهور بر اساس قانون اساسی و ضمن کنار زدن گل، پا به عرصه انتخابات ریاست جمهوری گذاشت و توانست با اندکی بیش از ۵۱ درصد آراء، رئیس جمهور دوازدهم ترکیه و دومین رئیس جمهور برگزیده با انتخابات عمومی شود.

در موفقیت‌های اقتصادی و سیاسی اردوغان نه تنها سیاست‌های حزبی بلکه محبوبیت و شخصیت اردوغان نیز مهم ارزیابی می‌شود. نویسنده کتاب «سکولاریسم و دموکراسی اسلامی در ترکیه» در بررسی شخصیت اردوغان به عدم پایداری او به یک ایدئولوژی خاص و اقتدارطلبی او بارها اشاره می‌کند (یاووز، ۱۳۸۹: ۲۰۲، ۲۰۷، ۲۰۹ و ۲۱۰). استفن کینزر، نویسنده روزنامه نیویورک تایمز نیز در توصیف خود از شخصیت اردوغان می‌نویسد: او تعصبی آتشین نسبت به قدرت خود دارد و خود، نه حزب یا حکومتش را نیروی محرکه ترکیه امروزی می‌داند (Kinzer.2004: 42)

به نظر می‌رسد وضعیت ملت‌هت ترکیه از دهه ۷۰ تا ۹۰ میلادی، وقوع کودتاهای نظامی در این کشور، بحران اقتصادی دهه ۹۰، نزاع سکولارها و اسلامیت‌ها، مساله بغرنج کردها و قومیت‌ها و مسائلی دیگر، نیاز به رهبری قدرتمند و کارآمد هم‌چون اردوغان را برای مردم ترکیه توجیه پذیر کند، به گونه‌ای که انحصار اخذ واپسین تصمیم برای ریاست جمهوری امری موجه و عقلانی جلوه کند. اما اعلام وضعیت فوق العاده پس از کودتای ژوئیه ۲۰۱۶ در این کشور و بیشتر از آن ابهاماتی در خصوص ساختگی بودن کودتا، هراس آگامبنی از افزایش بیش از حد قدرت سیاستمداران، به نفع محدود ساختن آزادی شهروندان و انقیاد آنان را به ذهن متبادر می‌سازد. افزایش قدرت اردوغان، ایجاد دوگانه سازی

سیاسی، آمار بالای بازداشتی‌های اخیر و منتسب به کودتا، نشان می‌دهد چنین نگرانی‌ای بی‌دلیل نخواهد بود.

تمایز دوست- دشمن پس از کودتا و ظهور هموساگرهای نوین در ترکیه

بر اساس آنچه اشمیت می‌گوید، تمایز تعیین‌کننده‌ی امر سیاسی شاقول جداسازی دوست-دشمن است. این تمایز، نه اقتصادی، مذهبی و زیباشناختی که ریشه در اصالت سیاست و امر سیاسی دارد. بر همین اساس می‌توان گفت دشمن فقط دشمن سیاسی است، که بر اساس خصومت با او اعلام وضعیت استثنایی توجیه پذیر می‌باشد. در حقیقت برای اشمیت جوهره امر سیاسی، بر یک آنتاگونیسم عینی میان «ما» و «آنها»ی غیر از ما بنیان گذاشته شده است؛ آنتاگونیسمی که بر اساس آن دولت تنها در جایی امکان وجود دارد که یک برابر نهاد انضمامی دوست-دشمن وجود داشته باشد (خالقی و ملک زاده، ۱۳۹۴: ۱۴۲).

دوگانه خائن/ وفادار، همان تمایزگذاری مشخصی است که بر اساس آن قدرت حاکم در ترکیه خائنان یا کودتاچیان را به مثابه ابژه‌ای خارج از نظم حقوقی از سیاست حذف می‌کند. «آنها نه اسیر و نه متهم، بلکه صرفاً بازداشتی‌اند» اگر بخواهیم آگامبنی بیندیشیم آنان «هموساگر»های نوین این دوران هستند. همان‌گونه که فرد هموساگر در نظام حقوقی رم، فردی رهاسده و بیرون از نظم حقوقی است، که کشته‌شدن او قتل یا قربانی به حساب نمی‌آید، بازداشتی‌های کودتا نیز به همین سیاق، نه شهروندان سابق ترکیه و مستخدمین دولتی آن، که ابژه‌هایی بیرون مانده از نظم حقوقی این کشور به شمار می‌آیند. در حقیقت وضعیت حقوقی آنان بر اساس قانون اساسی ترکیه مشخص نیست. در این قانون اشاره شده است که در هر وضعیت استثنایی امکان تعلیق آزادی‌های فردی موجه است و این دستورات رئیس‌جمهور است که به صورت تصویب‌نامه‌های قانونی تکلیف بازداشتی‌ها را مشخص می‌کند. آمار بالای بازداشتی‌ها و کسانی که از کار معلق شده‌اند به

«هوموساکرهای نوین» بررسی وضعیت استثنایی در ترکیه؛ بر اساس نظریه اشمیت و آگامبن/۲۴۳

نقل از خبرگزاری رویترز بالغ بر ۷۰ هزار نفر است (خبرگزاری فارس به نقل از رویترز، سی‌ام تیرماه ۱۳۹۵) با توجه به اعلام وضعیت فوق العاده از سوی اردوغان، وضعیت حقوقی این افراد مشخص نیست و جایگاه آنان در نظم حقوقی موجود در ترکیه در ابهام حقوقی - سیاسی قرار دارد.

آگامبن به روشنی از حضور فرد هوموساکر در دولت‌های مدرن سخن می‌گوید. او از قوانین ایالات متحده نمونه می‌آورد و به فرمان کمیسیون‌های نظامی در آمریکا اشاره می‌کند که مجوز بازداشت نامحدود و محاکمه اتباع خارجی مشکوک به دست داشتن در فعالیت تروریستی و یا طالبان را در اختیار دارند. با استفاده از نظریه آگامبن می‌توان دستگیری‌های گسترده در ترکیه و بازداشت قضات و نیروهای میانی ارتش را نیز در راستای همین ویژگی دولت‌های مدرن تحلیل نمود. دولتی که می‌کوشد با انقیاد بر حیات برهنه انسان‌ها بر آن‌ها سیطره یابد و قدرت مطلقه را در لوای پرچم دموکراسی خواهی دگرباره احیاء نماید.

نتیجه‌گیری

وضعیت استثنایی وضعیتی معماگونه است که در آن رابطه امر سیاسی و امر حقوقی در نقطه عدم تعادل قرار دارد. قانون اساسی ترکیه پس از فرازونشیب‌های فراوانی که در طی صد سال گذشته تجربه کرده است، از بروز وضعیت استثنایی غافل نبوده و بر اساس قانون اساسی این کشور، رئیس‌جمهور کسی است که درباره وضعیت استثناء تصمیم می‌گیرد. اما با توجه به التهاب منطقه خاورمیانه از یک سو و محبوبیت رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور کنونی این کشور، امکان سوءاستفاده از وضعیت استثنایی در این کشور را نباید از نظر دور داشت. اشمیت و آگامبن، دو متفکر برجسته‌ی وضعیت استثنایی، هر یک به نحوی به وجود آمدن چنین وضعیتی را محتمل دانسته است. در حالی که اشمیت بر وضعیت پارادوکسیکال این موقعیت تاکید می‌کند، آگامبن نگران سرنوشت افرادی است که در این

موقعیت ویژه به فراموشی سپرده شده و در نهایت در یک وضعیت مبهم و نامعلوم ار دایره نظم حقوقی بیرون رانده می‌شوند. با توجه به اعلام وضعیت فوق العاده سه ماهه در ترکیه، که بر اساس قانون اساسی امکان تمدید آن وجود دارد، وضعیتی ویژه در ترکیه به وجود آمده است که بر اساس آن افراد زیادی از منظومه حقوقی قانون اساسی خارج شده و سرنوشت آن‌ها در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. به نظر می‌رسد اقتدارگرایی رجب طیب اردوغان در لوای دموکراسی خواهی، در نهایت به انقیاد بیشتر شهروندان منجر خواهد شد و این وضعیت ویژه، یادآور این جمله آگامبن است که می‌گوید: در نظم نوین فعلی «ما همه هوموساکریم»!!!

«هوموساکرهای نوین» بررسی وضعیت استثنایی در ترکیه؛ بر اساس نظریه اشمیت و آگامبن/ ۲۴۵

منابع

- آگامبن، جورجو. (۱۳۹۵). *وضعیت استثنائی*، ترجمه پویا ایمانی، تهران: نی.
- اشمیت، کارل. (۱۳۹۰). *الهیات سیاسی*، ترجمه لیلا چمن خواه، تهران: نگاه معاصر.
- _____ (۱۳۹۱). *الهیات سیاسی ۲*، ترجمه لیلا چمن خواه، تهران: نگاه معاصر.
- _____ (۱۳۹۲). *امر سیاسی*، ترجمه سهیل صفاری، تهران: نگاه معاصر.
- خالقی دامغانی، احمد؛ ملک زاده، محمد. (۱۳۹۴). *سیاست، پایدیا و دولت؛ امر سیاسی و بنیان بینادذهنی آن، فصلنامه دولت پژوهی*، سال اول، ش ۲.
- نجف زاده، رضا (۱۳۹۳) *زیست قدرت در اندیشه سیاسی فوکو، آگامبن و نگری: از جامعه انضباطی تا جامعه کتتری جهانی، جستارهای سیاسی معاصر*، سال پنجم، شماره چهارم.
- قانون اساسی ترکیه، با آخرین اصلاحات ۲۰۱۱، ترجمه امیررضا محمودی و محسن مسعودی نیا. منتشر شده در وبلاگ <http://publaw.balgfa.com>
- غفاری، مسعود؛ اکبری، نورالدین (۱۳۹۱) *روند اصلاح قانون اساسی در ترکیه و تاثیر آن در پیوستن به اتحادیه اروپا، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین المللی دانشگاه آزاد واحد شهرضا*، شماره یازدهم.
- ملائکه، حسن (۱۳۹۲)، *الهیات سیاسی چارچوبی برای فهم متقابل دین و سیاست*، پژوهشنامه علوم سیاسی، دوره هشتم، شماره چهارم.
- یاووز، م.هاکان (۱۳۸۹) *سکولاریسم و دموکراسی اسلامی در ترکیه*، تهران: نی.
- Agamben, Giorgio(1998), Homosacer: Stanford University press.*
- _____. (2000), *Means without end: note on politics, theory of bounds*, Minneapolis: University of Minnesota.
- Ellermann, Antje(2009), undocumented migrant and resistance in the state of exception, university of British Colombia, prepared for Union studies association meeting.*
- Kinzer, Stephen(2004) will turkey makes it? New York review.*

- Karadut, Ismail Cam(2011), perusing a constitution in Turkey: looking for a brand - new social contract or awaiting the same- old social prescription, international human security conference, Istanbul 27-28 October.*
- Luisetti, Federico(2011), Carl Schmitt and Giorgio Agamben from Biopolitics to political romanticism, journal of philosophy of life, Vol.1, No.1.*
- Norris, Andrew(2005), a mine that explodes silently: Carl Schmitt in Weimar and after. Political theory.Vol.33.No. 6.*
- Topukcu, Aslt(2014) the process and the principle of constitutional design in Turkey, Kadir Has University, Istanbul, 11 edition p: 1-13.*
- Weber, Samuel(1992), taking exception to decision: Walter Benjamin and Carl Schmitt, diacritics 22.3-4.*